

رادیو فردا در هفته ای که گذشت! (شماره ۶۹)

۱۵/۰۶/۱۳۹۴ الی ۰۸/۰۶/۱۳۹۴

رسانه ی صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا، در طول چند سال فعالیتش به خوبی نیات ضد اسلامی - ایرانی خود را اثبات کرده است و نشان داده است که برای پیگیری منافع و دستورات اربابانش از هیچ تلاشی فروگذار نبوده و نیست، حتی اگر رفتارهای دوگانه و متناقضش در مواردی مشابه، به افشای چهره ی واقعی اش و سرعت بخشیدن به ریزش مخاطبانش ختم شود؛ و در این بین، رادیو دیروز، با انتشار شماره ای دیگر از مجله ی هفتگی خود با عنوان "رادیو فردا در هفته ای که گذشت!"، تلاش کرده است تا با بررسی بخشی از مهمترین برنامه ها و گزارشات این رسانه نما در طول هفته ی سوم سال جدید، بخشی از اطلاعات مربوط به واقعیت ها و دروغ های موجود را به مخاطبین خود منتقل نماید ...

رادیو دیروز گزارش می دهد؛

این روزها، دست های پشت پرده ی رادیو فردا که به عنوان رسانه ای فارسی زبان تحت نظر وزارت امور خارجه ی آمریکا به فعالیت مشغول است، بر کمتر شخص هوشیاری پوشیده مانده است؛ رسانه ای که با رفتارهای مملو از تناقض و دوگانگی خود در موضوعاتی مشابه، ترجیح داده است تا نیات ضد ایرانی - اسلامی خود را برملا سازد، اما در مسیر پیگیری اهداف اربابانش و غلامی برای آن ها کوتاهی نکرده باشد.

در همین راستا ما بارها شاهد بوده ایم که این رادیوی صهیونیستی - آمریکایی با بهانه هایی هر چند اندک، چهره ی خود را نشان داده و با گزارشات کاملاً جهت دار خود، به تخریب حقایق و حمایت از دروغ هایی شاخ دار می پردازد و بعضاً به قدری در این وظیفه ی دیرینه اش غرق می شود که با بی شرمی تمام به انکار واقعیت هایی می پردازد که بسیاری از مردم آن را به وضوح درک کرده اند و راست و دروغش را به درستی می دانند.

با توجه به موارد ذکر شده در بالا، مجله ی هفتگی رادیو دیروز که با عنوان "رادیو فردا در هفته ای که گذشت!"، به طور مرتب منتشر می شود، فعالیت های مهم این رسانه ی دولتی آمریکا را در دوره های زمانی هفت روزه مورد بررسی قرار داده و با بیان حقایقی که توسط رادیو فردا پنهان و یا رد می شوند، به مخاطبین خود در مسیر درک واقعیت ها و همچنین شناخت بیشتر این دشمن دیرینه ی ملت ایران کمک می کند.

آن چه در ادامه خواهید خواند، شصت و نهمین شماره از این مجله ی هفتگی است که به بررسی و تحلیل خلاصه ای از فعالیت های این رسانه ی صهیونیستی - آمریکایی در طول هفته ی دوم شهریور ماه ۱۳۹۴ (۸ الی ۱۵ شهریور ماه ۱۳۹۴) می پردازد.

شما مخاطبین عزیز می توانید در مجله ی شماره ی شصت و نهم رادیو دیروز، بررسی موضوعاتی مختلف از قبیل تلاش رادیو فردا برای مقابله با قرآن کریم، دلسوزی معنادار و عجیب این رسانه نما برای ملت سوریه، اعتراف این رسانه ی آمریکایی به این که جان گریه ها برایش مهمتر از انسان هاست، دلواپسی های رادیو فردا برای دقت شورای نگهبان در انجام وظایف قانونی و شرعی اش در ایران، دفاعیات دست اندرکاران این رسانه نما برای دلایل فعال در ایران و ... را مشاهده نمایید.

رادیو فردا و تلاش برای مقابله با قرآن کریم

مجله ی این هفته ی رادیو دیروز را با بررسی موضوعی آغاز خواهیم کرد که نشان خواهد داد تا چه حد رسانه ی فارسی زبان وابسته به وزارت امور خارجه ی آمریکا می تواند وقیحانه و با بی شرمی به دنبال اهداف ضد اسلامی – ایرانی اربابانش حرکت کرده و در این مسیر تمامی ارزش های موجود را نادیده بگیرد.

در این بخش به بررسی یکی از تلاش های اخیر رادیو فردا برای مقابله با قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان جهان خواهیم پرداخت؛ جایی که این رسانه نما با وقاحت تمام سعی نمود تا با بهانه ی دفاع از حقوق زنان، ضمن مقایسه ی وضعیت زنان قبل و بعد از ظهور دین مبین اسلام، قرآن کریم را نیز به دروغ گویی در این خصوص متهم نمود.

رادیو فردا این گزارش با طرحی سوالی کاملاً جهت دار و معنادار آغاز کرده و می آورد: « پیدایش اسلام چه پیامدی برای حقوق و منزلت زنان داشته؟ آیا سبب کاهش حقوق و منزلت زنان شده یا برعکس موجب افزایش حقوق و منزلت آنان؟ آیا چنانکه بسیاری از مبلغان و روحانیون مسلمان گفته اند زنده بگور کردن دختران در میان عربها پدیده ای رایج بوده است یا برعکس حکم استثناء را داشته تا قاعده؟ چادر را ایرانیان به عرب ها وام دادند یا با واجب به شمار آمدن حجاب در میان ایرانیان رواج پیدا کرد؟ تعدد زوجات چطور؟ ظهور اسلام بر حقوق زنان در مالکیت و ارث چه تاثیری گذاشته؟ آیا بعد از اسلام حقوق زنان در این زمینه ها بیشتر شده یا کمتر؟ ... گرچه این پرسش ها تازه نیستند اما انقلاب بهمن ۱۳۵۷ سبب شده که اینها در میان ایرانیانی که در هر زمینه دیدگاه متمایزی با ایرانیان دیگر دارند با حرارت بیشتری بحث شود ... »!

این رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی در بخشی دیگر از این گزارش نیز که به موضوع زنده به گور کردن فرزندان دختر در دوران پیش از اسلام اختصاص داده شده بود، با بی اهمیت خواندن این موضوع، عنوان کرده است: « در مورد موضوع به خصوص ما طبیعتاً دلیلی نداریم که فکر کنیم این چیزی بوده که همانطور که آقای فرشتیان هم گفتند در سطح گسترده ای باشد. چون اگر این اتفاق می افتاد و عرب های جاهلی دختران شان را خاک می کردند خب نتیجه اش این می شده که تعداد زنان در جامعه عرب خیلی کم می شده و وقتی هم تعداد زنان کم باشد چون تعداد زن و مرد به یک اندازه است یعنی تولید نسل کم می شده و تعداد خودشان کم می شده ... بالنتیجه طبیعی است که آدم اگر فقط با دانش دموگرافی هم نگاه کند می داند که این موضوع احتمالاً خیلی خیلی محدود بوده و احتمالاً به چیزهایی ربط داشته مثل همان که آقای فرشتیان گفتند در مورد مسائل اقتصادی و احتمالاً یکی دو مورد معروفی پیش آمده که ما از شان طبیعتاً مدرک درست حسابی نداریم ... ولی آن یکی مورد یا آن دو مورد معروف شاید آدم معروفی این کار را کرده یا در یک قحطی خاص یک تعداد آدم این کار را کردند و این یک چیزی شده برای اغراق تاریخ نگاری اسلامی که چه به صورت قرآنی و چه به صورت بعدی نشان دهد که ما دینی هستیم که قوانینی دارد که این جور کارهای اشتباه را رسماً ممنوع می کند. و جواب ساده اش این است که احتمالاً بسیار بسیار محدود بوده ... »!

این در حالیست که جدای از موارد ذکر شده در قرآن کریم و دین مبین اسلام، با بررسی تاریخ نیز می توان فهمید که تا چه حد رسم زنده به گور کردن دختران در بین اعراب، به ویژه در حجاز و عربستان کنونی رواج داشته است؛ و برخی تاریخ نویسان ثبت کرده اند که در آن دوران پدران عرب در هنگام وضع حمل همسرشان حفره ای در زمین ایجاد کرده و بالافاصله پس از تولد فرزند اگر دختر بود او را در آن حفره مدفون می کردند؛ همانطور که تاریخ نویسان تأکید کرده اند که بعضی از قبایل عرب چون بنی تمیم و بنی قیس و بنی اسد و هذیل و بکرین وائل و کنده، بیش از دیگر قبایل به این کار دست میزدند.

این رسم به قدری در آن فرهنگ جا افتاده بوده است که یکی از شاعران آن دوران عرب در سروده ای با افتخار از آن یاد کرده و گفته است "سمیتها از ولدت تموت والقبر صهر ضامن ذمیت"، به این معنی که " نام آن دختر را به هنگام تولد «تموت» (یعنی می میرد) گذاردم _ و قبر، داماد من است که او را در بر گرفته و خاموش ساخته است. "

در چنین فضایی دین مبین اسلام با آیات قرآن کریم و ارزش هایی که پیامبر اکرم (ص) از آن آیات و خدای متعال به پیروانش منتقل نمود با این رسم زشت و غیر قابل قبول مقابله نمود؛ در همین راستا قرآن کریم در آیات بسیاری به این موضوع اعتراض نموده است؛ همانگونه که در آیات هشتم و نهم سوره ی مبارکه التکویر آمده است: « و اذا الموودة سئلت بائ ذنب قتلت»، به این معنی که "و زمانی که از دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین جرم و گناه کشته شدند."

و یا در آیات پنجاه و هشت و پنجاه نهم سوره ی مبارکه ی النحل از قرآن کریم نیز خداوند یکتا می فرماید: « و اذا بشر احدهم بالانثى ظل وجهه مسوداً و هو كظلم يتوارى من القوم من سوء ما بشر به ايمسكه على هون ام يدسه في التراب ألا ساء ما يحكمون»، به این معنی که "هنگامی که به یکی از آنها بشارت می دادند دختری نصیب تو شده صورتش از فرط ناراحتی سیاه می شد و مملو از خشم می گشت، از قوم و قبیله خود به خاطر بشارت بدی که به او داده شده بود متواری می گشت و نمی دانست آیا او را با قبول ننگ نگهدارد و یا در خاک پنهان کند. چه بد حکمی می کنند. "

در همین خصوص داستان ها و وقایع مختلفی نیز نقل شده است که نشان دهنده ی نقش بسزای دین مبین اسلام، پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان در مقابله با این رسم "زنده به گور کردن دختران" در بین قبایل مختلف اعراب آن دوران بوده و هستند که در این جا به بارگو کردن تنها یکی از این موارد پُر تعداد بسنده می کنیم.

از سوی «صعصعة بن ناجية مجاشعی» (جدّ فرزندق شاعر معروف) که شخصیتی کاملاً شناخته شده بوده و با بسیاری از کارهای ناپسند آن دوران مردم عرب مبارزه می کرد، نقل شده است که روزی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و داستانی را که برای خودش پیش آمده بود؛ نقل کرد که: "در ایام جوانی دو عدد شترانم گم شده بود، در جستجوی آنها با شتر دیگری به صحرا رفتم، به چادری رسیدم که در کنار آن مردی نشسته بود. از شترانم از او پرسیدم. گفت نشانه آن دو چیست؟ گفتم که بر آن دو نشانه قبیله خودم می باشد. او در جواب گفت که من آن دو را یافتم و اینک در نزد من است. بدین گونه شترانم را در آنجا یافتم. در این هنگام پیرزنی که گویا مادر آن مرد بود، از خیمه با حالتی گرفته خارج شد. آن مرد به او خطاب کرد و پرسید. چه زانید؟ از سوال او به دست آوردم که در داخل خیمه زنی در حال زایمان می باشد و سپس بعد از پرسش بدون آن که منتظر جواب مادر خود باشد، آن مرد سخنش را ادامه داد و گفت: اگر پسر باشد با ما شریک در مال و زندگی است و نیز وارث ما خواهد شد و اگر دختر باشد به خاکش می سپاریم. مادر او پاسخ داد: دختر است. آن مرد با خشم و غضب همراه با غصه و اندوه گفت: معطل نشوید او را آسوده نموده و به خاکش بسپارید. "

صعصعة به حضرت محمد (ص) گفت: " ای رسول خدا ناگهان انقلابی در من پدید آمد و عواطف و احساساتم مرا تحت فشار قرار داد و به آن مرد گفتم آیا این دختر را به من می فروشی؟ پاسخ داد: هرگز شنیده ای که عرب فرزندان خود را بفروشد و این ننگ را تحمل کند؟ گفتم: نفروش بلکه در مقابل احسان و هدیه ای که به تو عطا نمودم، او را به من ببخش، گفت: آماده ام با همان دو شتر و این شتری که بر آن سوار می باشی معاوضه نمایم. من راضی شدم و سه شتر را به او بخشیدم و دختر را گرفتم و به دایه ای سپردم تا پرستاری نماید. این داستان برای دیگران بازگو شد و سبب شهرت من گشت و پس از آن در جاهای دیگر کسانی که دارای دختر می شدند نظیر این پیشنهاد را به من می دادند، من این روش را ترک نکردم و تا کنون دویست و هشتاد () بر حسب نقل دیگری سیصد و شصت () دختر را هر یک به بهای سه شتر گرفته و از مرگ نجات دادم. آیا این عمل برای من سودی دارد؟ "

پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به این گفته های صعصعة، فرمودند: « هذا لك باب من البرّ و لك اجره اذ منّ الله عليك بالاسلام» (این کار برای تو دربی به سوی کارهای نیک و پسندیده بوده و پاداشی بزرگ خواهد داشت زیرا (به برکت این روش پسندیده) به پذیرش اسلام موفق گشتی.)

دلواپسی عجیب رادیو فردا برای پناهجویان سوری

موضوع بعدی را به یکی دیگر از گزارشات عجیب و غیر قابل پذیرش رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا اختصاص داده ایم؛ جایی که این رسانه نما در گزارشی با بازتاب خبر دفن جنازه سه عضو یک خانواده ی سوری که برای فرار از ناامنی ها از طریق دریا به اروپا سفر می کردند پرداخته و خود و اربابانش را دلواپس این پناهجویان سوریه نشان داده است.

رادیو فردا در این گزارش با پرداختن به خبر فوق، برای اثبات دلسوزی خود برای ملت سوریه تلاش کرده و آورده است: « مراسم خاکسپاری ایلان، پسر بچه سه ساله، برادر و مادرش، جمعه ۱۳ شهریور، در شهر کوبانی سوریه برگزار شد. همزمان پلیس اتریش اعلام کرده ۷۱ پناهجویی که جنازه شان هفته گذشته در یک کامیون در این کشور پیدا شد، احتمالاً خفه شده بودند ... به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، جنازه ایلان، برادر پنج ساله اش گالیب و مادر ۳۵ ساله شان ریحان، ابتدا به شهری در نزدیکی مرز ترکیه با سوریه منتقل و سپس توسط خودروهایی ویژه و با اسکورت نیروهای نظامی ترکیه، به شهر کوبانی منتقل شد ... سلیمان کردی، عموی ایلان و گالیب اعلام کرد که عبدالله، پدر این دو کودک، دیگر تصمیمی برای رفتن به اروپا ندارد: "برادرم فقط به خاطر فرزندانش می خواست به اروپا برود. حالا که آن‌ها مرده اند، او می خواهد همینجا در کوبانی کنار آن‌ها بماند." ... تصاویر منتشر شده از جنازه ایلان سه ساله در ساحل دریا و خبر مرگ او، به یکی از تراژیک ترین تصاویر خبری این روزهای جهان تبدیل شده و توجه بین المللی را بیش از پیش به بحران پناهجویان سوری، عراقی، افغانستانی و آفریقایی و جنگ و نا آرامی در این مناطق جلب کرده است ... صدها هزار نفر از این مردم در ماه های اخیر از کشورهای خود گریخته و با دشواری فراوان و طی مسیرهای طولانی و سخت، به سمت اروپا حرکت کرده اند ... صدها نفر از آن‌ها نیز در این راه جان خود را از دست داده اند ... »!

این در حالیست که آمارهای منتشر شده از وقایع تلخ در سوریه به ما نشان می دهد که روزانه بیش از هزار نفر قربانی جنگی در این کشر می شوند که سیاست های خودخواهانه ی ایالات متحده و همراهانش در منطقه شعله های آن را ایجاد کرده و برافروخته نگاه داشته اند.

اما چندین برابر این تعداد افرادی هستند که به دلیل ناامنی های ایجاد شده توسط گروه های مختلف تروریستی در سوریه و تخریب محل های سکونتشان آواره شده اند و این وقایع ناگوار در شرایطی شکل گرفته و می گیرد که اربابان رادیو فردا با تمام توان خود در چند سال اخیر این ناآرامی ها را پایه ریزیف حمایت و هدایت کرده اند.

تنهای یکی از این موارد حمایت های مالی و تسلیحاتی ایالات متحده ی امریکا از گروه های مختلف تروریستی فعال در سوریه است که به دلیل پیگیری سیاست براندازی دولت قانونی بشار اسد و تسلط بر منطقه، همواره در جریان بوده و هست؛ همانطور که در لایحه دفاع ملی امریکا برای سال مالی ۲۰۱۶ که از اول اکتبر آغاز می شود، از این موضوع به عنوان یکی از موضوعات حیاتی این کشور و جزو مناقع ملی شان یاد شده و بیش از ۶۰۰ میلیون دلار برای آموزش گروه های تروریستی در سوریه اختصاص داده شده است.

بعلاوه، حضور تعداد قابل توجهی از تروریست های خارجی در سوریه که به کمک سیاست های اربابان رادیو فردا برای ایجاد ناامنی به سوریه وارد شده اند نیز گویای نشانه ای دیگر از این واقعیت است؛ جایی که تعداد قابل توجهی از آن‌ها را آمریکایی

ها تشکیل داده و "جیمز کامی" مدیر اف بی آی نیز ضمن اذعان به این موضوع از روند افزایشی این تعداد اعلام نگرانی کرده است.

گربه ها با ارزش تر از انسان ها هستند!

یکی دیگر از موضوعاتی که در این هفته توجه ما را به خود جلب نموده و به همین خاطر در این شماره از مجله ی هفتگی رادیو دیروز به بررسی خلاصه وار آن خواهیم پرداخت، موضوعی است به ارتباط به موارد طرح شده در بالا نبوده و به نوعی اثبات کننده دروغ بودن دلسوزی های رسانه ی صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا برای جان انسان ها، از جمله پناهجویان سوریه ای خواهد بود.

رادیوی فارسی زبان وابسته به وزارت امور خارجه ی آمریکا در یکی دیگر از گزارشات این هفته ی خود، با پرداختن بیش از حد معمول به خبر وقوع حادثه ی آتش سوزی در یک مرکز نگهداری گربه ها، در طی چند روز تعداد قابل توجهی از گزارشاتش را به این موضوع اختصاص داد که با مقایسه ی این توجه ویژه به جان گربه ها و در مقابل سکوت معنادارش در خصوص ریختن خون هزاران بی گناه بر اثر سیاست های غلط اربابانش در فلسطین، سوریه و ... به خوبی می توان فهمید که از نظر مدیران و دست اندر کاران این رسانه نما، جان گربه ها به مراتب با ارزش تر و با اهمیت تر از جان انسان هاست.

گزارشات مختلفی که با عنوان هایی مختلف و جذاب مانند " حمله و آتش سوزی در پناهگاه های حیوانات ایران؛ علت چیست؟"، " پناه گربه ها؛ از عسرت تا خاکستر"، " در شعله های بی پناهی تان تا ابد خواهم سوخت" و ... به خوبی نشان می دهد که چگونه رادیو فردا قصد دارد تا با دلسوزی برای گربه های ایران تفکرات به خصوص ضد ایرانی اش را به مخاطبینش دیکته نماید.

این رادیوی فارسی زبان کاخ سفید در یکی از این گزارشات با احساس بسیار ناشی از دلسوزی برای این گربه ها، آورده است: « " جو حاکم بر مراسم یک اندوهی بود که واقعا هیچ کلمه ای برای وصف آن وجود ندارد و با استفاده از ظرفیت فضای مجازی، تماس هایی که دوستان با هم داشتند خیلی جمعیت قابل توجهی شرکت کرده بودند " ... " من متأسفم، متأسفم برای جامعه شعارزده و فراموشکار و بی تفاوت " ... »!

اما این در حالیست که سیاست های اشتباه و خودخواهانه ی اربابان رادیو فردا در جای جای جهان باعث شده است که روزانه تعداد قابل توجهی جانشان را از دست بدهند و در این بین این رسانه نما که این گونه به جان گربه ها اهمیت داده و از حادثه ای غیر عمد برایشان به بالا و پایین می پرد، در برابر جان باختن این افراد که قربانی جنایات عمدی اربابانش هستند، بارها تنها سکوت پیشه کرده و از برایشان به راحتی عبور می کند.

بیش از ده هزار افغانی که قربانی حمله ی آمریکا به کشورشان در سال ۲۰۰۱ میلادی شده اند، بیش از سی هزار عراقی که قربانی تجاوز ایالات متحده به این کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی شده اند، ۲۹۰ سرنشین هواپیمای مسافربری ایرانی که مستقیما توسط ناو جنگی آمریکا هدف قرار گرفته و جان باختند، هزاران سوری و عراقی بی دفاعی که به طور غیر مستقیم (که البته بسیار نزدیک به مستقیم است)، توسط ابزارهای دست آمریکا در گروه های تروریستی مختلفی مانند داعش قربانی می شوند، هزاران یمنی بی دفاعی که قربانی سیاست های جهت دار و حمایت های تسلیحاتی و سیاسی آمریکایی ها از عربستان سعودی و

تجاوز به کشورشان شده اند، هزاران فلسطینی که توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی به خاک و خون کشیده می شوند، هزاران شهید ایرانی که قربانی سیاست های جنگ طلبانه ی آمریکا و هدایت و حمایت هایش از رژیم بعثی عراق در طول هشت سال جنگ تحمیلی شده اند، سیاه پوستان از تمامی رده های سنی که در داخل خاک آمریکا قربانی تبعیض های نژادی پلیس آمریکا می شوند و ... تنها بخشی از مواردی است که رادیو فردا به راحتی از کنارشان عبور کرده و می کند و حتی درصدی از توجه و واکنش هایش به حادثه ی غیر عمدی آتش سوزی در مرکز نگهداری گربه ها را به این موضوعات با ارزش که دست های آلوده به خون اربابانشان را نشان می دهد، اختصاص نداده و نمی دهد.

نگرانی رادیو فردا از انجام وظیفه شورای نگهبان

کینه های دیرینه و عمیق رادیو فردا و اربابانش از شورای نگهبان در کشورمان به دلایل فعالیت های به موقع و بصیرانه ی این شورا که مانع دست یابی آن ها به اهداف شومشان در برهه های زمانی مختلف شده است، بر کمتر کسی پوشیده است و در همین راستا ما بارها و بارها شاهد گزارشات و برنامه های این رسانه ی صهیونیستی - آمریکایی برای تخریب این نهاد جمهوری اسلامی ایران بوده و هستیم.

در همین راستا، در هفته ی گذشته نیز شاهد یکی از این مدل گزارشات در این رسانه ی فارسی زبان کاخ سفید بوده ایم شورای نگهبان را هدف محبت های رسانه ای خود قرار داده بوده است؛ رادیو فردا در یکی از این گزارشات با اشاره به این که « محمد یزدی، رییس مجلس خبرگان رهبری، درباره انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در روز سه شنبه ۱۰ شهریور در نطق خود در روز اول هجدهمین اجلاس مجلس خبرگان رهبری بیان کرد " امسال دو انتخابات در پیش داریم و با هیچ کس هیچ تعارفی نداریم. وزارت کشور، مجری انتخابات و شورای نگهبان، ناظر انتخابات است و نظارتش هم استصوابی است نه تماشایی" ... »، آورده است: « مسئله نظارت بر انتخابات در هفته های اخیر با مناقشاتی همراه بوده است به گونه ای که حسن روحانی، رییس جمهوری ایران، روز ۲۸ مرداد ضمن اعتراض تلویحی به رد صلاحیت گسترده کاندیداهای انتخابات، این تذکر را مطرح کرده بود که شورای نگهبان، ناظر، و دولت، مجری انتخابات، است و " نظارت و اجرا نباید مخلوط شوند " ... »!

این در حالیست که شورای نگهبان با فعالیت دقیق و سنجیده ی خود بارها جلوی نفوذ عناصر همسو با اربابان این رسانه نما را به بدنه ی نظام گرفته و در نتیجه سرمایه گذاری ها و برنامه ریزی های دشمنان را نقش بر آب ساخته است و این یکی از حقوق قانونی و طبیعی هر ایرانی است که در سایر کشورهای جهان نیز با نام و شکلی دیگر قابل مشاهده است.

در همین راستا رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در دیدار هجدهم شهریور ماه ۱۳۹۴ با اقشار مختلف مردم، به اهمیت بالای شورای نگهبان اذعان نموده و تصریح فرمودند که: « شورای نگهبان، چشم بینای نظام برای انتخابات است؛ و در همه ی دنیا، چنین نهادی با اسم ها و عناوین متفاوت وجود دارد ... نظارت شورای نگهبان در انتخابات، استصوابی و مؤثر است و این نظارت این جزو حق الناس است، این را باید رعایت کرد، این را باید حفظ کرد ... شورای نگهبان مراقبت می کند که اگر به علت برخی کوتاهی ها، افراد بی صلاحیت، به عنوان نامزد وارد عرصه ی انتخابات شدند، جلوی آنها را بگیرد و این حق قانونی، منطقی و عقلی شورا است ... »

رهبری بیشتر نیز در خصوص لزوم این نظارت استصوابی شورای نگهبان و در پاسخ به شبهاتی که درباره اثرگذاری این شورا و نظارت بر بی اعتمادی مردم مطرح می گردید نیز تاکید فرموده بودند: « این نظارت شورای نگهبان، طبق قانون و متکی به قانون اساسی است. پایه ها و ریشه هایش در قانون اساسی است و در قانون عادی هم همان تأیید شده است و وجود دارد. این

نظارت هم برای شهروندان عادی و معمولی نیست؛ این برای آن است که یک آدم ناباب، یک آدم مضر و یک آدم بد، به این مرکز حساس وارد نشود. این نظارت استصوابی مخصوص مجلس که نیست؛ در مورد ریاست جمهوری هم هست. حالا شما ببینید یک آدم حراف پشت هم اندازی که از خارج هم حمایت شود و پول فراوانی هم داشته باشد و خودش را به شکل های گوناگونی بیاراید و این جا بیاید و کاندیدا شود و اکثریتی را هم ببرد و رئیس جمهور شود، تکلیف مملکت چه می شود؟! نظارت استصوابی برای همین است که جلو آدم هایی که بر طبق قوانین کشور، صلاحیت آمدن به این منصب حساس را ندارند - چه مجلس، چه ریاست جمهوری و چه در بقیه جاهایی که این نظارت وجود دارد؛ مثل مجلس خبرگان و دیگر جاها - گرفته شود و اینها نتوانند وارد این مراکز حساس شوند ... »

ناراحتی رادیو فردا از مخالفت با دلالی در ایران

موضوع بعدی این هفته را نیز به یکی از عجیب ترین برنامه های رادیوی فارسی زبان دولت آمریکا در این بازه ی زمانی اختصاص داده ایم؛ جایی که برنامه ی همیشه جنجالی " رادیو پسفردا " این بار معنایی متفاوت و خاص خود را از شغل های کاذب در کشورمان مطرح نموده و از مخالفت های صورت گرفته و مطرح شده با دلالی در ایران شدیداً ابراز گلایه و ناراحتی می کند.

فرشید منافی مجری و تهیه کننده ی این برنامه ی رادیو فردا به مقایسه ی شغل دلالی با مشاغل مانند نماینده ی مجلس شورای اسلامی پرداخته و با حمایت معنادار خود از دلال ها آورده است: « من نمی دانم این دلال ها چه هیزم تری به ملت فروختند که تا حرف از شغل کاذب می شود، ذهن همه به سمت دلالی می رود؟ ... چرا با وجود این همه شغل کاذب، همه تنها روی دلال ها حساس شده اند؟ آیا شغل هایی مثل نماینده مجلس، امام جمعه، نماینده ولی فقیه و مدیریت در سازمان های فرهنگی و ... کاذب نیستند؟ ... »

اما ملت ایران به خوبی می دانند که در واقعیت، چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان، مشاغل کاذب تعریف یکسان و خاص خود را داشته و " به آن دسته از مشاغل شهری گفته می شود که ابتدا به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم کمکی به افزایش بهره وری نهایی کار تولیدی نکند و دوم این که حذف آن ها تأثیر به سزایی در نیازمندی های تولید و توزیع و خدمات و کالاها نداشته باشد. در برخی از موارد حتی حذف این گونه مشاغل از صحنه تولید و توزیع کالا و خدمات باعث افزایش بهره وری نهایی کار تولیدی نیز خواهد شد. "؛ در نتیجه رادیو فردا هیچ گاه نخواهد توانست با این رفتارهای بچگانه و احمقانه، تفرکات خود را به مخاطبینش القا نمایند و این نوع جبهه گیری های خنده دار و عجیب تنها اهداف سیاسی و ضد ایرانی آن ها را بیش از پیش برملا می سازد.

در همین راستا بسیاری از کارناسان مشاغل کاذب را بستر ساز انواع جرم و جنایت در جامعه می دانند که بی توجهی به آن ها می تواند نه تنها از لحاظ اقتصادی، بلکه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز یک ملت و کشور را با بحران هایی جدی مواجه سازد؛ و شاید به همین دلیل نیز رادیو فردا و دست اندکارانش این گونه با حمایت از دلال ها از مخالفت با این حرفه ی بعضاً آسیب زا ناراحت بوده و هستند؛ زیرا گسترش آن ها می تواند به معنای نزدیک شدنشان به اهداف ضد ایرانی شان بوده و مقابله با آن ها دستشان را از این اهداف شوم کوتاه سازد.

آنچه در بالا خوانده اید، شصت و نهمین شماره از مجله ی هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از مهمترین فعالیت ها و گزارشات رسانه ی صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا در طول دومین هفته از شهریور ماه ۱۳۹۴ (۸ الی ۱۵ شهریور ماه ۱۳۹۴) پرداخته و طبق هفته های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته ای که گذشت!" منتشر گردیده است.

